

فاجعه انسانی در اندونزی

بهرام رحمانی

bamdadpress@swipnet.se

شنبه شب ۱۲ اکتبر ۲۰۰۲، در اثر چند انفجار هولناک، در یکی از جزایر اندونزی به نام «جزیره بالی»، حدود دویست نفر جان خود را از دست داده‌اند و بیش از ۳۰۰ نفر نیز زخمی گردیده‌اند. یکی از انفجارها در این جزیره، در یک باشگاه تفریحی شهر «دنپاسار»، مرکز بالی که مملو از توریست بود، رخ داد. گفته می‌شود که بمب در یک اتومبیل کار گذاشته شده بود. این انفجار به حدی مهیب بود که به سرعت از کلوب مزبور و بناهای مجاور آن، شعله‌های آتش زبانه کشید و صدها نفر در میان شعله‌های آتش گرفتار شدند.

انفجار دوم، دقیقی پس از انفجار اول، در ۲۵۰ متری کنسولگری ایالات متحده آمریکا، در مرکز جزیره بالی، به وقوع پیوست. از این انفجار کشته و زخمی گزارش نشده است.

در حالی که در سال‌های اخیر درگیری‌های داخلی در اکثر جزیره‌ها و شهرهای اندونزی روی داده است، اما این جزیره تفریحی به لحاظ آرامش حاکم در آن و سواحل زیبایش، مورد استقبال توریست‌های غربی قرار گرفته بود. بنابراین چنین فاجعه‌ای برای اولین بار است که در این جزیره به وقوع می‌پیوندد.

در پی این انفجار، مردم اندونزی وحشت‌زده شدند، ارتش و پلیس به حالت آماده‌باش درآمدند و مناطق حساس کشور، از جمله اطراف شرکت‌های خارجی را زیر نظر تدابیر امنیتی شدیدی گرفتند. بازار بورس در اندونزی شدیداً سقوط کرد، سقوطی که در چهار سال اخیر بی‌سابقه بوده است. همچنین رویه، واحد پول اندونزی، بیش از ۳ درصد ارزش خود را در مقابل دلار از دست داده است.

تاکنون هیچ گروهی مسئولیت این بمب‌گذاری‌ها را به عهده نگرفته است. اما سفارت آمریکا، در جاکارتا پایتخت اندونزی، این بمب‌گذاری‌ها را به گروه‌های اسلامی که با القاعده در ارتباط هستند، نسبت داده است.

همچنین احتمال داده می‌شود که یکی از سازمان‌های اسلامی اندونزی، به نام «جماعت الاسلامیه»، دست به این جنایت زده باشد. گفته می‌شود، این سازمان با القاعده، رابطه نزدیکی دارد. بنا به گزارش خبرگزاری‌ها، جان هوارد نخست‌وزیر استرالیا، از سازمان ملل متحد، درخواست خواهد کرد نام این گروه را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار دهند.

مگاواتی سوکارنوبوتری رییس جمهوری اندونزی، همراه با تنی چند از وزرایش به جزیره «بالی» رفت تا واقعه را از نزدیک مورد بررسی قرار دهد. همچنین ژنرال دایی بختیار رییس پلیس اندونزی، این حمله را فجیع‌ترین اقدام تروریستی در تاریخ آن کشور نامید.

جرج دبلیو بوش رییس جمهور آمریکا، این عملیات را به القاعده نسبت داد و تاکید کرد که جهان باید با تروریسم مبارزه کند. بوش، همچنین حملات اخیر به سربازان آمریکایی در کویت، انفجار نفتکش فرانسوی در آب‌های یمن و بمب‌گذاری بالی را رشته‌حاملاتی دانست که از الگوی خاصی پیروی می‌کند. اما مایکل هیچکاک، کارشناس امور اندونزی در دانشگاه لندن، دلیل این امر را چنین شرح می‌دهد: «چندین دلیل وجود دارد. اول این که دولت قبلی اندونزی تحت حکومت سوهارتو، منافع عظیم تجاری در بالی داشت و برای آن‌ها مهم بود که بالی را در کنترل داشته باشند». رادیو بی‌بی‌سی، که این اظهارنظرها را گزارش کرده است، در یکی دیگر از گزارش‌هایش نیز می‌افزاید: «... برخی از ناظران تصور می‌کنند که حمله بالی می‌تواند توسط یک گروه بومی و با انگیزه‌های محلی، برای مثال برای انتقام گرفتن از استرالیا به خاطر نقش آن کشور در مساله تیمور شرقی، انجام شده باشد». به هر حال پیرامون این فاجعه هولناک، تحلیل‌های متفاوتی وجود دارد و هنوز روشن نیست که تروریسم دولتی و یا سازمان تروریستی از نوع اسلامی و یا غیراسلامی در پشت این عملیات تروریستی باشد؟! »

اکنون تحقیقات بین‌المللی در مورد انفجار بالی، در جریان است. یک گروه از ماموران دفتر تحقیقات فدرال آمریکا (اف‌بی‌آی) و سازمان اطلاعات استرالیا، برای تحقیقات و یافتن عاملین این انفجار وارد جزیره بالی شده‌اند. همچنین دولت استرالیا، از دولت اندونزی، به خاطر فعال نبودنش در مبارزه با تروریسم انتقاد کرده است. گفته می‌شود که بسیاری از قربانیان فاجعه جزیره بالی، شهروندان استرالیا بودند. شورای امنیت سازمان ملل نیز، انفجار بالی را به عنوان یک اقدام تروریستی محکوم کرد. بدین ترتیب دولت اندونزی، تحت فشار بین‌المللی قرار گرفته است تا عاملان این جنایت وحشتناک را پیدا و تسلیم عدالت کند. در چنین شرایطی دولت‌های غربی به شهروندان خود توصیه کرده‌اند که فعلاً به این جزیره سفر نکنند. چرا

که اکثریت قربانیان این حادثه توریست بوده اند.

می توان احتمال داد که این فاجعه کار القاعده، رییس جمهوری سابق اندونزی، گروه های اسلامی اندونزی و یا کار پلیس مخفی فلان کشور باشد. اما شکی نیست که جریانات و حکومت های اسلامی، با سابقه سیاهی که در ایران، اندونزی، الجزایر، عربستان سعودی، لبنان، فلسطین، مصر، افغانستان و دیگر کشورها دارند، از هیچ جنایتی فروگذار نیستند، اما علی رغم همه این مسائل هنوز روشن نیست که مسبب اصلی و واقعی این فجایع انسانی، از عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا جزیره بالی، چه کسانی هستند؟ کدام دولت ها به خاطر منافع اقتصادی و سیاسی و نظامی شان سازمان های تروریستی را آموزش می دهند؛ از آنان حمایت اقتصادی و سیاسی می کنند و مواد منفجره و سلاح های کشنده به آن ها می رسانند؛ تروریسم دولتی را سازمان می دهند؛ راسیسم و فاشیسم را به جان انسان ها می اندازند؛ لشکرکشی و جنگ و خونریزی می کنند و خلاصه کلام بشر را به خاک سیاه و به مرز نابودی و فقر و فلاکت می کشانند؟! مسلما هر انسانی که کوچک ترین شناختی از نظام سرمایه داری داشته باشد بدون مکثی خواهد گفت: همه این فجایع، سناریوهای سیاه از بمب گذاری، ترور و شکنجه و اعدام گرفته تا جنگ و خونریزی و تحقیر و توهین به حرمت انسان ها، زیر سر نظام سرمایه داری جهانی و حکومت های وحشی و جنایت کار این نظام، از حکومت اسلامی ایران تا حکومت نظامی پاکستان، از آمریکای مهد آزادی تا اندونزی و از سومالی تا انگلستان است. همین چند روز پیش هلیکوپتر جنگی اسرائیل، راکت خود را به میان تجمع مردم بی گناه و بی سلاح اردوگاه آوارگان «خان یونس» در نوار غزه پرتاب کرد که در اثر آن ۱۵ نفر جان خود را از دست دادند و بیش از صد نفر نیز زخمی گردیدند. در میان کشته شدگان چند کودک نیز وجود داشت. نمونه های تروریسم دولتی از این دست، در تاریخ جنگ خونین نزدیک به پنج دهه دولت اسرائیل، علیه مردم فلسطین بی شمار است. این عمل یک عمل تروریستی آشکار است؟ آریل شارون نخست وزیر اسرائیل، به دنبال این حرکت تروریستی، بی شرمانه اعلام کرد که عملیات ارتش اسرائیل در نوار غزه، با موفقیت انجام شده است؟! یا بیش از یک دهه است که غرش هواپیماهای آمریکا و انگلستان، شب و روز بر بالای شهرهای عراق، خواب و آرامش و زندگی را از مردم این کشور سلب کرده است، آیا این عملیات، نباید اعمالی تروریستی محسوب شود و عاملان آن مانند بوش و تونی بلر، نباید به دست عدالت سپرده شوند؟! بدین ترتیب، این نظام سرمایه داری جهانی، به سردمداری ایالات متحده آمریکا و متحدانش است که، با ترور و اعدام و جنگ و خونریزی و استثمار و گرسنه نگاه داشتن میلیاردها نفر از مردم کره زمین، جهان را ناامن ساخته است. این جهان وارونه را باید زیرورو کرد و جهان دیگری ساخت که شایسته و درخور انسان باشد!

انفجار بالی، عملی تروریستی و وحشیانه و غیرانسانی است که باید سریعاً محکوم گردد و با بازماندگان این فاجعه انسانی ابراز همدردی شود.

۱۵ اکتبر ۲۰۰۲